

بررسی نقش جنسیت در فرایند یادگیری زبان خارجی

* روح الله رحمتیان

دانشگاه تربیت مدرس

** محمدحسین اطروشی

دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش جنسیت به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان موفقیت زبان‌آموزان انجام شده است که شناخت کافی از این عامل، فرایند یاددهی/یادگیری زبان خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقش جنسیت در میزان یادگیری زبان خارجی همواره نظرات متفاوتی را به همراه داشته و همواره این سؤال که آیا توانایی یادگیری زبان خارجی با جنسیت زبان‌آموز ارتباطی دارد را مطرح می‌سازد. یادگیری نزد دختران و پسران متفاوت است، اما در یادگیری زبان خارجی این اعتقاد کلی وجود دارد که دختران نسبت به پسران موفقیت بیشتری از خود نشان داده‌اند. لذا در این مقاله تلاش بر این است تا با استفاده از نتایج آزمایش‌های متعدد و شواهد تحقیقات علمی ارائه شده، بحث جنسیت را با توجه به عوامل متفاوتی از قبیل: تلاش، انگیزه، سبک یادگیری، عوامل اجتماعی و فعالیت‌های فیزیولوژیکی، به دقت مورد مطالعه و بررسی و نتیجه‌گیری قرار دهند. نتایج حاصل بیانگر این مطلب است که بین جنسیت با میزان تسلط و یادگیری فرایندهای زبان خارجی، همبستگی معناداری وجود دارد که فرایند یادگیری زبان خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، یادگیری زبان خارجی، سبک‌های یادگیری، عوامل اجتماعی، عامل فیزیولوژیکی.

Considering the Role of Gender in Foreign Language Learning Process

Rouhollah Rahmatian

Assistant Professor, Department of Teaching French Language
Faculty of Letters and Human Sciences, Tarbiat Modares University

Mohammad Hossein Otroshi

Assistant Professor, Department of Geography
Faculty of Earth Sciences, Tarbiat Modares University

Abstract

This article investigates the role of gender as an effective parameter on the success of language learners. The knowledge about such parameters affects the process of a foreign language learning / teaching. The role of gender in foreign language learning has always been accompanied by different ideas. This question has long been on the table if the ability of foreign language learning is related to the gender of the learner. Boy's learning process differs from that of the girls. It is believed that girls are generally proved to be more successful than boys. In this article the authors have tried to investigate the role of gender by considering several factors like: endeavor, motivation, learning styles, social factors, and physiological activities. The results indicate that there is a significant correlation between the foreign language learning process, proficiency and gender, which influences the process.

Keywords: Gender, Foreign Language Learning, Learning Styles, Social Factors, Physiological Factor.

* دکترای آموزش زبان فرانسه از دانشگاه تولوز فرانسه، استادیار گروه آموزش زبان فرانسه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

** دکترای برنامه‌ریزی شهری از کانادا، استادیار گروه جغرافیه، دانشکده علوم زمین.

1 - مقدمه

دختران یا پسران، کدام گروه در یادگیری زبان خارجی مستعدتر هستند و جنسیت چه تأثیری در فرایند آموزش زبان خارجی ایفا می‌نماید و چه رابطه‌ای میان جنسیت و میزان فراگیری زبان خارجی وجود دارد. چه ویژگی‌های جنسیتی در میزان تسلط و یادگیری زبان خارجی مؤثر هستند و باعث برتری در فرایند یادگیری نسبت به جنس مخالف می‌شوند. این سؤالات همواره ذهن زبان‌آموزان و مدرسان را به خود مشغول داشته‌اند.

به منظور پاسخ به این سؤالات لازم به نظر می‌رسد تا در ابتدا نیم نگاهی به فرایند یادگیری زبان مادری در دختران و پسران داشته باشیم. بنابر نظر مکوبی و ژاکلین (1975)، به نقل از فان درگست (1981: 21) سرعت زبان‌آموزی دختران تا سن 3 سالگی بیشتر از همسالان پسر می‌باشد و از 3 تا 11 سال تفاوت قابل توجهی میان آن‌ها وجود ندارد هرچند در بعضی مواقع دختران تا حدی بهتر هستند، اما از 11 سالگی به بعد، زبان‌آموزی دختران پیشرفت سریع‌تری نسبت به پسران دارد. هوت (Hutt) معتقد است که در اواخر نوجوانی است که امکان مقایسه جنسیت‌ها در فراگیری زبان فراهم می‌شود چرا که توانایی‌های افراد به مرحله بلوغ رسیده‌اند (به نقل از بوگارد 2000: 85). باید توجه داشت که شکل‌گیری ساختاری و عملکردی مغز دختران و پسران از همان سنین کودکی متفاوت بوده و رشد فکری/ذهنی دختران در گرو رشد زبانشناختی‌شان می‌باشد در حالی که در پسران عوامل غیرزبانی نیز نقش مهمی ایفا می‌نمایند (کارون¹ 2001: 56 - 73) و رفتار متفاوت دختران و پسران نسبت به فراگیری زبان علل زیست‌شناختی و به خصوص روندهای عصبی - هورمونی متمایزی دارند (جنسن 1384: 74).

پژوهش‌های انجام شده در مورد یادگیری دختران و پسران، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند، اما در یادگیری زبان خارجی این نظر که دختران نسبت به پسران موفق‌تر عمل می‌نمایند، مصداق پیدا می‌کند. لذا، در ادامه به بررسی رابطه جنسیت با 1- سن، 2- سبک و یادگیری 3 - رفتار و توانایی‌های زبان‌آموزان با توجه به عناصر اجتماعی، تلاش، انگیزه و قابلیت‌های فیزیولوژیکی می‌پردازیم، چرا که نتایج تحقیقات گوناگون بیانگر این مطلب است که عوامل متعددی از قبیل سن، جنسیت و انگیزه در یادگیری زبان خارجی مؤثر هستند و فرایند یاددهی/یادگیری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (آکسفورد 1990: 36).

2- ارتباط جنسیت و سن در یادگیری زبان خارجی

در بررسی رابطه جنسیت و سن لازم به نظر می‌رسد تا تفاوت‌های جنسیتی در زمینه فراگیری زبان خارجی مورد بررسی قرار گیرند، چرا که پنفیلد (Penfield) سن مطلوب برای یادگیری زبان خارجی را اولین دهه زندگی می‌داند که بعد از آن دوران، نوعی ساعت بیولوژیکی درون ساخته فرصت‌های آموزشی از دست رفته را به‌طور غیرقابل انعطافی ثبت می‌کند و تلاش‌های بعدی در یادگیری زبان‌های خارجی تنها با موفقیت نسبی همراه خواهد بود (به نقل از پراید 1373: 217). لذا، در ادامه به تأثیر جنسیت بر الف - سنین 4 تا 12، ب - نوجوانان 12 تا 17، ج - بزرگسالان می‌پردازیم.

الف - تأثیر جنسیت بر یادگیری نزد کودکان

نتایج تجربی به‌دست آمده در مورد تأثیر جنسیت بر یادگیری کودکان متفاوت بوده و محققینی از قبیل برستال (1977: 245 - 252) بر این باورند که دختر بچه‌ها در یادگیری زبان خارجی موفق‌تر از پسر بچه‌ها عمل می‌نمایند در حالی که پولیتزر و وایس (به نقل از بوگارد 2000: 82) نظر مخالفی دارند. نظر سومی هم در این میان توسط بریر (1978: 159 - 174) ارائه شده که معتقد است جنسیت هیچ تأثیری بر یادگیری کودک ندارد.

ب - تأثیر جنسیت بر یادگیری نزد نوجوانان

نظرات ارائه شده در مورد تأثیر جنسیت بر یادگیری نوجوانان همسویی بیشتری داشته و نتایج حاصل از تحقیقات، برتری دختران نوجوان را در یادگیری زبان خارجی نشان می‌دهند (برستال، بوگارد، پولیتزر و وایس). با این وجود، برستال (1977: 245 - 252) خاطر نشان می‌سازد که نوجوانان پسر در درک نوشتاری نسبت به همسالان دختر موفق‌تر عمل می‌نمایند. در این میان باید به این نکته توجه داشت که بین جنسیت مدرس و جنسیت زبان‌آموز تعاملی خاص و مؤثر وجود دارد که بر فرایند یاددهی/ یادگیری زبان خارجی تأثیرگذار می‌باشد. تحقیقات توماس دی² استادیار اقتصاد در دانشکده اسمارت‌مور و دانشگاه استنفورد که در فصلنامه *Next education* (2006: 37) منتشر شده، حاکی از این است که داشتن آموزگار زن به جای آموزگار مرد موفقیت‌های تحصیلی دختران را در علوم، مطالعات اجتماعی و زبان انگلیسی افزایش و پسران را کاهش می‌دهد. اما هنگامی که آموزگار مرد هدایت کلاس را به عهده دارد عملکرد پسران بهبود

و دختران کاهش می‌یابد. این مطالعه نشان داد جابجایی آموزگاران این فاصله را بین دختران و پسران کاهش می‌دهد، اما همواره یک جنس قربانی جنس دیگر می‌شود. دی همچنین معتقد است جنسیت بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال از نظر یک معلم زن بیشتر احتمال دارد پسران بی‌نظم، نامرتب و سر به هوا قلمداد شوند، در حالی که دختران منظم‌تر عمل می‌نمایند. در کلاسی که آموزگار مرد دارد دختران بیشتر احتمال دارد مطالب درسی را برای آینده خود بی‌فایده بیان کنند و کمتر احتمال دارد سؤال کنند. دی با در نظر گرفتن چندین عامل تأثیرگذار بر عملکرد دانش‌آموزان، جنسیت آموزگار را به عنوان یک عامل مورد توجه قرار داده است.

ج - تأثیر جنسیت بر یادگیری نزد بزرگسالان

داده‌های به‌دست آمده از مطالعات انجام شده بر روی زبان‌آموزان مسن‌تر بیانگر این نکته است که جنسیت در سنین میانسالی و بزرگسالی تأثیر بسیار ضعیفی بر یادگیری زبان خارجی داشته و هیچ تفاوتی بین زبان‌آموز دختر و پسر وجود ندارد (پیمسلور³، سوتر⁴، کارول⁵ و لیسکی⁶ به نقل از بوگارد 2000: 81).

به این ترتیب نتایج متفاوت تأثیر جنسیت بر یادگیری زبان خارجی در دوره ابتدایی ظهور چندانی پیدا نمی‌کنند، اما در دوره راهنمایی به نفع دختران نمایان می‌گردند و در مراحل بعدی ناپدید می‌شوند و در نتیجه نقش جنسیت در سنین مختلف، نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. دختران نسبت به پسران در فراگیری زبان خارجی موفقیت بیشتری به‌دست می‌آورند و از 13 سالگی به بعد، نسبت پسران ناموفق به دختران ناموفق بسیار چشمگیر است و در نتیجه دخترانی که هنوز در سن 16 سالگی زبان خارجی مانند فرانسه را فرا می‌گیرند به‌طور قابل توجهی بهتر از پسران عمل می‌نمایند. به هر حال، با وجود چنین تفاوتی، در سنین بالاتر تفاوت‌های جنسیتی رنگ می‌بازند و میزان یادگیری زبان خارجی در دختران و پسران زبان‌آموز یکسان می‌شود.

3 - رابطه جنسیت با سبک یادگیری زبان خارجی

یادگیری فرایند مفیدی تعریف می‌شود که فراگیری در آن به صورت فعالانه با نزدیک شدن به اطلاعات، مرتبط کردن آن‌ها با دانش قبلی خود و کنترل و هدایت فرایند یادگیری خود عمل می‌نماید (تیناجرو 1998: 251 - 262). افراد در یک موقعیت یکسان، به شیوه‌های متفاوت یاد

3 - Pimsleur

4 - Suter

5 - Carroll

6 - Liski

می‌گیرند که یکی از دلایل آن سبک‌های متفاوت یادگیری می‌باشد. سبک‌های یادگیری شامل باورها، اعتقادات، رجحان‌ها و رفتارهایی است که افراد به کار می‌برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک نمایند (افتخاری 1379). سبک‌های وابسته/ نایسته به زمینه از مهمترین انواع سبک‌های یادگیری محسوب می‌شوند. یادگیرندگان وابسته به زمینه در موقعیت‌های مهم مانند موقعیت اجتماعی عملکرد بهتری دارند و در نتیجه بهتر یاد می‌گیرند (اسلاوین 1991) و کلی‌گرا هستند (هان 1995) در حالی که یادگیرندگان نایسته به زمینه، یادگیری انفرادی را ترجیح می‌دهند و دارای انگیزه فردی و خود انگیزخته می‌باشند (اسلاوین 1991) و تحلیلی عمل می‌نمایند. برخی از پژوهشگران افراد وابسته به زمینه (سادلر - اسمیت 2002: 609 - 616) و عده‌ای افراد نایسته به زمینه (الکساندرا تورو 1995: 633 - 647) را در یادگیری زبان موفق می‌دانند و برخی از تحقیقات نیز (کاپل و گرین 1992: 47 - 83) هر دو سبک را با توجه به موقعیت در یادگیری زبان مؤثر می‌دانند. نتایج تحقیقات الکساندرا تورو (1995)، کاپل و گرین (1992)، جیمسن (1992) بر این امر تأکید دارند که افراد با سبک یادگیری نایسته به زمینه در یادگیری زبان خارجی موفق‌تر هستند چرا که توجه خود را بر محرک‌های زبانی مرتبط با تکلیف زبان‌آموزی متمرکز می‌نمایند و محرک‌های نامربوط را نادیده می‌گیرند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا جنسیت بر سبک‌های یادگیری زبان خارجی تأثیرگذار است. مطالعات انجام شده در این زمینه نتایج هماهنگی به دست نداده‌اند. به عنوان مثال، فاولر و فاولر (1984) و محرابی (1999)، زنان را نسبت به مردان نایسته‌تر به زمینه معرفی کرده، اما ویتکین (1992)، زنان را وابسته به زمینه می‌داند. اما تحقیقات آزادمرد (1379)، و ویلرمن (1979) به نقل از وول فولک، (1995) هیچ تفاوتی را بین سبک‌های یادگیری دختران و پسران به‌دست نیاورد. آرمود (1995) معتقد است که دختران و پسران را به شرط وجود شرایط تربیتی و فرهنگی مساوی به‌طور قطع نمی‌توان در یکی از دو قطب وابسته یا نایسته به زمینه قرار داد و این دو قطب یک پیوستاری را تشکیل می‌دهند که در یک طرف سبک وابسته به زمینه و در طرف دیگر سبک نایسته به زمینه قرار می‌گیرند.

پژوهش‌های کرونگر و توسن (1988)، فیلبین (1995)، و برنر (1997) نشان داد که بین سبک‌های یادگیری دختران و پسران تفاوت وجود دارد. پسران در مقایسه با دختران دارای سبک یادگیری دیداری و کلی هستند و دختران در مقایسه با پسران دارای سبک یادگیری کلامی و متوالی می‌باشند. گراس (1992) معتقد است که توانایی کلامی دختران در مقایسه با پسران بهتر است و در نتیجه در فرایندهای درک و تولید زبانی و سیالی واژگان موفق‌تر از پسران هستند.

4 - رابطه جنسیت با رفتار و توانایی‌های زبان‌آموزی

در بررسی رابطه جنسیت با رفتار باید توجه داشت که رفتارهای افراد اکتسابی هستند و اسمیت (1971: 82) معتقد است که: «افراد با رفتارهای مثبت یا منفی نسبت به زبان‌ها متولد نمی‌شوند» و رفتارها قابل تغییر می‌باشند (به نقل از بوگارد 2000: 83). نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در مورد تأثیر جنسیت بر رفتارهای یادگیری، حاکی از این است که دختران (کودکان و نوجوانان) رفتارهای مثبت‌تری نسبت به پسران همسال دارند. اما در سنین بالاتر تفاوت‌های جنسیتی مؤثر در یادگیری به حداقل می‌رسند (برستال، بارتلی⁷، بوگارد و لودویگ⁸). حال باید به این سؤال پاسخ داد که تفاوت‌های رفتاری نوجوانان دختر و پسر در فراگیری زبان خارجی از کجا نشأت می‌گیرند. برستال (1977: 245 - 252) معتقد است که در یادگیری، نیاز زبانی و اهمیت آن در شغل آینده نقش مهمی ایفا می‌نماید و این نیاز زبانی در دختران نسبت به پسران بیشتر احساس می‌شود. مطالعات کلاسن⁹ بر این نکته تأکید دارند که دختران نوجوان در به کارگیری زبان خارجی نسبت به همسالان پسر تلاش بیشتری دارند ولی در گروه زبان‌آموزان مسن‌تر به کارگیری زبان خارجی یکسان است (گائوناک 1998: 132 - 129).

علاوه بر عامل اهمیت در فراگیری زبان خارجی، دو عامل سودمندی و لذت نیز مؤثر می‌باشند. به اعتقاد بوگارد، پسران به عامل سودمندی فراگیری زبان خارجی حساس هستند در حالی که دختران به عامل لذت فراگیری حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. لودویگ (1983: 224) معتقد است که زبان‌آموزان پسر بیشتر به دلایل کاربردی تا لذت در کلاس‌های آموزش زبان خارجی شرکت می‌نمایند. پوول و لیتل‌ود (1983: 36 - 39) Powell & Littlewood بر این باورند که به‌طور کلی، دختران از فراگیری زبان خارجی لذت می‌برند حتی زمانی که فراگیری زبان نیز لزومی نداشته باشد. لذت بخش بودن فراگیری زبان خارجی برای دختران، رفتار و نگرش مثبت را به همراه دارد در حالی که رفتار پسران زمانی مثبت است که نیاز مبرم به زبان خارجی را احساس کنند.

مطالعات در زمینه رابطه جنسیت با استعداد یادگیری زبان خارجی (کارول¹⁰، شرر¹¹، اسمیت¹²) بر این نکته تأکید دارند که استعداد دختران نسبت به پسران در فراگیری زبان خارجی بیشتر است. اما

7 - Bartly

8 - Ludwig

9 - Claessen

10 - Carroll

11 - Scherer

12 - Smith

تست‌های استعداد (MLAT¹⁴, PLAB¹³) بیانگر این مطلب هستند که دختران در مقایسه با پسران سازگاری بیشتری با نظام آموزش زبان موجود دارند و این امر باعث بروز هرچه بهتر استعداد فراگیری زبان خارجی می‌شود. در ادامه لازم به نظر می‌رسد تا به اهمیت تأثیر هوش بر جنسیت در فراگیری زبان خارجی پرداخته شود. آرنهت (Arendt) معتقد است که نسبت همبستگی موجود بین فراگیری زبان خارجی و هوش در دختران نسبت به پسران بیشتر است (به نقل از باربوت 2000: 79)، به این معنی که پسران در فراگیری زبان خارجی نتایج خوبی کسب می‌نمایند به شرط این که انگیزه بیشتری داشته باشند، چرا که دختران در فراگیری زبان انگیزش بالایی دارند و در نتیجه تمایل به استفاده حداکثر از توانایی‌ها و استعدادهایشان را دارند. اما آیا رشد ذهنی دختران و پسران متفاوت می‌باشد و بر فراگیری زبان خارجی نیز تأثیرگذار است. دانشمندان آمریکایی اولین بررسی جامع از چگونگی تغییرات مغزی و رفتاری کودکان در طی زمان را انجام داده‌اند. در طی این مطالعات همه جانبه مشخص شد تفاوت‌های ذهنی دختران و پسران که تا این حد درباره آن مفصل صحبت شده است، آن قدرها هم قابل توجه نیستند و رشد ذهنی دختران و پسران یکسان است. دکتر دیورا ویبر (Deborah P. Waber)، استادیار روانشناسی در بیمارستان کودکان بوستون، با مطالعه MRI مغز نرمل، به بررسی رشد عصب‌شناختی و رفتاری 450 کودک آمریکایی پرداخته است. این کودکان با دقت و با توجه به نداشتن مشکلات و از نژادها و طبقات گوناگون جامعه آمریکا انتخاب شده بودند. وی معتقد است که جنسیت در کارایی و عملکرد ذهنی تأثیر اندکی دارد و از نظر حافظه هیچ تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد. مطالعه عامل فیزیولوژیکی مانند مغز نیز بر این نکته دلالت دارد که رابطه معکوسی بین سن با فرایند یادگیری زبان خارجی وجود دارد (جنسن 1384: 79)، در حالی که جنسیت تا این حد در یادگیری تأثیرگذار نیست. باید به این نکته نیز توجه داشت که مغز در تمام سنین، توانایی یادگیری را دارا می‌باشد اما این فرایند با افزایش سن کند می‌شود (باربوت 2000: 46 - 50) و نوع جنسیت با توجه به عملکرد مغز، در فراگیری نقشی ایفا نمی‌نماید.

مایرز - لوی (1994: 48 - 75) معتقد است که نیکره راست مغز مسئول پردازش اطلاعات غیرکلامی و دیداری و دیداری - فضایی است و مردان در فعالیت‌ها به نیکره راست وابسته هستند. کولت و هارت (1975: 483 - 440) در پژوهشی نشان دادند که عملکرد زنان در فعالیت‌های کلامی بهتر از مردان است و شواهد دال بر وابسته بودن زنان به نیکره چپ بود. این تبیین را بوما (1990) نیز ارائه داده است. برشتاین و همکاران (1980: 289 - 313) معتقدند که

13 - Pimsleur Language Aptitude Battery

14 - Modern Language Aptitude Test

برتری نیمکره چپ زنان، با راهبردهای پردازش اطلاعات آنان ارتباط دارد و زنان از راهبردهای کلامی برای پردازش اطلاعات استفاده می‌نمایند. برتری نیمکره چپ در زنان موجب استفاده از وسایل و ابزارهای کلامی برای حل مسایل می‌شود. بنابراین، برتری نسبی نیمکره چپ در زنان در فرایند یادگیری زبان خارجی به عنوان یک عامل مؤثر مورد تأیید می‌باشد.

4 - 1 - نقش عوامل اجتماعی

در فرایند یادگیری زبان خارجی عوامل اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌نمایند. با آن که عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد، اما از آنجا که زنان و مردان نقش‌های اجتماعی یکسانی در جامعه ندارند و در نتیجه نقش‌های اجتماعی گوناگون باعث به وجود آمدن رفتارهای مختلف می‌شوند، به این ترتیب، جنسیت همواره تحت تأثیر عناصر اجتماعی می‌باشد، به گونه‌ای که یادگیری زبان خارجی نیز تحت تأثیر این عناصر قرار می‌گیرد.

باید اذعان داشت که نظر دختران نسبت به یادگیری زبان خارجی بهتر و مثبت‌تر است. تفاوت در نظر و برداشت، بدون تردید تا حدی نتیجه آینده‌نگری شغلی متفاوت دختران و پسران و میزان نیاز به یادگیری زبان خارجی با توجه به نیازهای شغلی می‌باشد. زبان‌آموزان هر دو جنس، بالا رفتن موفقیت شغلی را نقش اولیه تعلیم و تربیت می‌دانند و در نتیجه ارزش بیشتری به درسی مانند زبان خارجی می‌دهند که رابطه مشهودی با زمینه استخدامی آینده آنان دارد (به نقل از پراید 1373: 218). دختران ارزش شغلی یادگیری زبان خارجی را پذیرفته‌اند، اما پسران به آن توجه خاصی مبذول نمی‌دارند.

از آنجایی که در برخی از زمینه‌های اجتماعی زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعالتری دارند، این امر باعث به وجود آمدن تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌شود که این امر به نوبه خود نیز در فراگیری زبان خارجی نمود پیدا می‌کند. به عنوان مثال، دختران در زمینه‌هایی مانند آرایش، خیاطی و آشپزی تجربه بیشتری دارند و در نتیجه در یادگیری زبان خارجی به سمت یادگیری اصطلاحات مربوط به این زمینه گرایش بیشتری از خود نشان می‌دهند. لذا، در رفتارهای زبان خارجی نیز دو جنس تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند به این ترتیب که در فراگیری زبان خارجی، دختران و پسران اصطلاحات خاص و گاه حتی گرایش‌های ویژه خود را در کاربرد الگوها و ویژگی‌های دستوری و آوایی دارند (سیر و ژرمن، 1998: 34). بنابراین، میان جنسیت و رفتارهای زبانی همبستگی‌هایی وجود دارد. البته این

تفاوت‌ها علاوه بر واژگان در موارد ساختارهای زبان نیز ظهور می‌یابند، زیرا زنان نسبت به کاربرد آن دسته از ویژگی‌های زبانی که دارای اعتبار اجتماعی بالایی هستند، بیش از مردان حساسیت دارند و از به‌کار بردن ویژگی‌های زبانی کم ارزش پرهیز می‌نمایند. به‌این ترتیب زنان نسبت به رفتار زبانی خود حساسیتی بیش از مردان نشان می‌دهند و این تأثیر در فراگیری زبان خارجی نیز مشاهده می‌شود و دختران در فراگیری زبان خارجی به سمت زبان استاندارد با ویژگی‌های زبانی دارای اعتبار اجتماعی بالا گرایش دارند.

از طرف دیگر، نقش‌های اجتماعی گوناگون، الگوهای رفتاری متفاوت را به‌وجود آورده و به همین جهت انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه رفتار اجتماعی آن‌ها یکسان نمی‌باشد و به‌طور کلی زنان از صورت‌های زبانی بهتر و صحیح‌تر که اعتبار بیشتری دارند، استفاده می‌نمایند. این امر باعث گسترش ویژگی‌های زبانی معتبر و معیار می‌شوند. این نوع نگرش زنان به زبان در فراگیری زبان خارجی نیز نقش مهمی ایفا می‌نماید. به‌این ترتیب تفاوت‌های موجود در یادگیری زبان خارجی بین دختران و پسران نوجوان، پایه‌های عاطفی و شناختی داشته و به نمونه‌های شناختی متفاوت و هنجارهای اجتماعی وابسته هستند.

4-2 - رابطه جنسیت با موقعیت اجتماعی یادگیری زبان خارجی

در بررسی رابطه جنسیت با موقعیت اجتماعی، دو موقعیت مورد نظر می‌باشد: الف - موقعیت طبیعی، ب - موقعیت کلاس. چرا که موقعیت‌های ذکر شده با جنسیت زبان‌آموز در ارتباط هستند و فرایند یادگیری زبان خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

الف - موقعیت طبیعی: منظور از موقعیت طبیعی یادگیری زبان خارجی، موقعیتی است که در آن زبان خارجی در شرایطی شبیه به زبان مادری تجربه می‌شود. یعنی زبان در ارتباط با اشیاء، موقعیت‌ها و رخدادهای زندگی روزمره تجربه می‌شود و در کلاس درس آموزش داده نمی‌شود (استاینبرگ 1381: 237). در حالت کلی زنان، تعامل اجتماعی بالاتری نسبت به مردان داشته و در نتیجه، سریع‌تر در محیط طبیعی به تعامل اجتماعی می‌پردازند و در معرض مستقیم زبان خارجی قرار گرفته و زبان خارجی را نسبت به مردان بهتر فرا می‌گیرند.

ب - موقعیت کلاس: کلاس درس در واقع موقعیتی برنامه‌ریزی شده یا به قولی موقعیتی مصنوعی برای یادگیری زبان خارجی است (استاینبرگ 1381: 239). نتایج یافته‌های دیل (1974) در مورد تأثیر جنسیت در موقعیت کلاس زبان خارجی حاکی از این است که پسران در

کلاس درس مختلط به سطح بالاتری از یادگیری زبان می‌رسند، چرا که دختران در کلاس زبان مختلط در صحبت کردن بی‌میلی بیشتری از خود نشان می‌دادند (پراید 1373: 222). مطالعات به عمل آمده در مورد یادگیری زبان فرانسه به عنوان زبان دوم نزد دانش‌آموزان انگلیسی زبان، بر این نکته دلالت دارند که دختران و پسران کلاس‌های مجزا نسبت به همسالان در کلاس مختلط سطح بالاتری از موفقیت را در زبان فرانسه به دست می‌آورند. با وجود این که نظر دختران نسبت به یادگیری زبان فرانسه بهتر از پسران است، ولی دختران در کلاس مختلط به‌طور قابل توجهی از صحبت کردن در کلاس وحشت دارند و نگرانی فزاینده همیشگی خود را درباره حرف زدن به فرانسه در مقابل دیگر همکلاسی‌ها نشان می‌دهند، در حالی که پسران کلاس مجزا بیشتر از کلاس مختلط نسبت به یادگیری زبان فرانسه نظر مطلوب‌تر دارند.

5 - نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه‌ها و تحقیقات در زمینه تأثیر جنسیت بر فراگیری زبان خارجی مبین این نکته می‌باشند که در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در برنامه آموزشی لازم به نظر می‌رسد و در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جنسیت‌ها در برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان خارجی نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت. در پرتو آن چه گفته شد، دختران نسبت به پسران با توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیکی و شرایط و موقعیت‌های اجتماعی با انگیزش بالاتری به فراگیری زبان خارجی می‌پردازند. در دوره راهنمایی، دبیرستانی و حتی دانشگاهی سودمند بودن زبان خارجی نقش مهمی را با توجه به جنسیت ایفا می‌نماید. اما در سنین بالاتر فراگیری زبان خارجی تأثیر کمتری از جنسیت می‌پذیرد. پسران از نظر رفتاری نسبت به دختران تمایل کمتری در به کارگیری توانایی‌هایشان در راستای یادگیری زبان خارجی از خود بروز می‌دهند که نقش عوامل اجتماعی بسیار مؤثر می‌باشد. سازگاری دختران نسبت به پسران با نظام آموزش زبان خارجی بیشتر می‌باشد و در نتیجه یادگیری آنان در محیط‌های آموزشی بهتر است.

افراد در فرایند یادگیری، سبک‌های متفاوتی را به کار می‌گیرند و در یادگیری زبان‌های خارجی نیز این تفاوت‌ها مشاهده می‌گردند. بین سبک‌های یادگیری دختران و پسران نیز تفاوت‌هایی وجود دارد به گونه‌ای که پسران در مقایسه با دختران دارای سبک یادگیری دیداری و کلی می‌باشند در حالی که دختران در مقایسه با پسران دارای سبک یادگیری کلامی هستند که این توانایی کلامی، دختران را قادر می‌سازد تا در فرایندهای درک و تولید زبانی و سیالی

واژگان زبان خارجی موفق‌تر از پسران عمل نمایند. لذا، شناخت تفاوت‌های جنسیتی زبان‌آموزان فرایند یاددهی/ یادگیری و در نتیجه کارآیی نظام آموزش زبان خارجی را موجب می‌گردد.

منابع

- آزادمرد، شهنام. 1379. بررسی رابطه بین سبک یادگیری (وابسته/ نوابسته به زمینه) و توانایی حل مسأله دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهر اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- استاینبرگ، دنی. 1381. درآمدی بر روانشناسی زبان. ارسالن گلفام. تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، فرنگیس. 1379. رابطه بین سبک‌شناختی وابسته به زمینه - نوابسته به زمینه به زمینه و عملکرد در انواع آزمون‌های پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پراید، ج.ب. 1373. جامعه‌شناسی یادگیری و تدریس زبان. سید اکبر میرحسینی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جنسن، اریک. 1384. مغز و آموزش. لیلی محمد حسین و سپیده رضوی. تهران: انتشارات مدرسه.
- Alexandra Toro, M. 1995. "The Effects of HyperCard Authoring Computer Related Attitudes and Spanish Language Acquisition Computers". *Human Behavior*. No. 11.
- Barbot, M-J. 2000. *Les Auto-Apprentissages*. Liège: CLE International.
- Bogaards, P. 2000. *Aptitude et Affectivité Dans L'apprentissage Des Langues Étrangères*. Paris: Crédif.
- Bouma, A. 1990. *Lateral Asymmetries and Hemispheric Specialization: Theoretical Models and Research*. Amsterdam: Swets and Zeitlinger.
- Brenner, J. 1997. "An Analysis of Students' Cognitive Styles in Asynchronous Distance Education Courses". *Inquiry*. No. 1.
- Brière, E.J. 1978. "Variables Affecting Native Mexican Children's Learning Spanish as a Second Language". *Language Learning*. No. 28.
- Burstall, C. 1977. "Primary French in the Balance". *Foreign Language Annals*. No. 10.
- Burstein, B. & al. 1980. "Sex Differences in Cognitive Functioning: Evidence, Determinants and Implications". *Human Development*. No. 23.
- Caron, J. 2001. *Précis de Psycholinguistique*. Paris: Presses Universitaires de France.
- Chapelle, C. & Green, P. 1992. "Field independence / Dependence in Second Language Acquisition Research". *Language Learning*. No. 42.
- Coltheart, M., Hull, E., & Slater, D. 1975. "Sex Differences in Imagery and Reading". *Nature*. No. 253.

- Cyr, P. & Germain, C. 1998. *Les Stratégies D'apprentissages*. Paris: CLE International.
- Gaonac'h, D. 1998. *Théories D'apprentissage et Acquisition D'une Langue Étrangère*. Paris: Hatier.
- Gross, R. D. 1992. *Psychology: the Science of Mind and Behavior*. London: Hodder & Stoughton.
- Hohn, R.L. 1995. *Classroom Learning and Teaching*. Boston: Longman.
- Jamieson, J. 1992. "The Cognitive Styles of Reflection/impulsivity and Field Independence/Dependence and ESL Success". *The Modern Language Journal*. No.76.
- Kroeger, O., & Thuesen, J. 1988. *Type Talk: The 16 Personality Types that Determine how we Live, Love and Work*. New York: Dell.
- Mehrabi, H. 1999. *The Effect of Field Independence on the Students' Choice of Cognitive Strategies in the EFL Situation*. A Thesis for the Degree of Master, Tarbiat Modares University.
- Meyers Levy, J. 1994. *Gender Differences in Cortical Organization: Social and Biochemical Antecedents and Advertising Consequences*. In E. Clark, T. Brock, & D. Stewart: Attention, Attitude and Affect in Response to Advertising. Hillsdale, New Jersey Lawrence Erlbaum Associates.
- Ormrod, J. E. 1995. *Educational Psychology: Principles and Applications*. Englewood Cliffs: Merrill.
- Oxford, R. 1990. "Language Learning Strategies and Beyond: A look at Strategies in the Context of Styles". In S. S. Magnan, *Shifting the Instructional Focus to the Learner*.
- Philbin, M. 1995. "A survey of Gender and Learning Styles". *A Journal of Research*. No. 32.
- Powell, R. & Littlewood, P. 1983. "Why Choose French? Boys' and Girls' Attitudes at the Option Stage". *British Journal of Language Teaching*. No. 21.
- Sadler-Smith, E. 2002. "The Relationship Between Learning Style and Cognitive Style". *Personality and Individual Differences*. No. 30.
- Slavin, R. E. 1991. *Educational Psychology*. Boston: Allyn and Bacon.
- Tinajero, C. & Paramo, M. F. 1998. "Field Dependence-Independence and Strategic Learning". *International Journal of Educational Research*. No. 29.
- Van der Geest, T. 1981. Geschlechtsunterschiede: Sprechen und Denken; Emotionen und Beziehungen, Toegepaste Taalwetenschap in Artikelen 10.
- Witkin & al. 1992. *Psychological Differentiation*. New York: Wiley.
- Woolfolk, A. E. 1995. *Educational Psychology*. Boston: Allyn and Bacon.